

اجاره نامه زمین کشاورزی: تحلیل سه سند حقوقی از ایلام باستان

به همراه ویرایش متن اکدی (از ص ۲۱ تا ۳۸)

حسین بادامچی^۱

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۷ - تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۰/۱۷

چکیده

اگرچه اسناد به زبان ایلامی قدیم نادر هستند، از شوش در دوره سوکل‌مخ‌ها بیش از ۵۰۰ سند حقوقی به زبان اکدی و در موضوعات مختلف به دست آمده است که فرصتی بی نظیر برای مطالعه نهادهای حقوقی و اجتماعی ایلام فراهم می‌کند. مقاله حاضر ضمن ویرایش و ترجمه سه اجاره‌نامه ایلامی از دوره سوکل‌مخ‌ها به بررسی ماهیت قراردادهای معروف به *(esip-tabal)* می‌پردازد. مطالعه تطبیقی با قانون حمورابی نشان می‌دهد که احتمالاً نوع خاصی از رهن در قالب عقد اجاره پنهان شده تا امکان اخذ بهره بیش از نرخ جایز فراهم شود. مقاله حاضر ابتدا برای مشخص کردن بستر تاریخی تقسیم بندی تاریخ ایلام باستان را توضیح می‌دهد. سپس اهمیت اسناد اکدی شوش بررسی و سرانجام متن سه اجاره نامه زمین کشاورزی از نوع *(esip-tabal)* از دیدگاه صورت و ماهیت قرار داد مطالعه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ایلام، اجاره، قرارداد، وثیقه، سوکل‌مخ، باستان، رهن، *esip-tabal*

مقدمه: تقسیم بندی تاریخ ایلام

تاریخ ایلام در ایران باستان به پنج دوره تقسیم شده است:

- ۱- دوره ایلامی ابتدایی (Proto-Elamite Period) : از ۳۳۰۰ تا ۳۰۰۰ ق م دوره ایلامی ابتدایی نام دارد که در این خط ایلامی ابتدایی احتمالاً به طور مستقل در فلات قاره ایران ابداع شد و آثار آن از شوش در غرب تا شهر سوخته در شرق ایران پیدا شده است.
- ۲- دوره ایلامی قدیم: از حدود سال ۲۶۰۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد دوره ایلامی قدیم (Old Elamite Period) نامیده می‌شود (Steve, Vallat and Gasche, p. 417-418)
- ۳- دوره ایلامی میانه (Middle Elamite Period) ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ق م.
- ۴- دوره ایلامی جدید (Neo-Elamite Period) ۱۰۰۰ تا ۵۵۰ ق م.
- ۵- ایلامی هخامنشی ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق م.

اسناد اکدی شوش

به رغم نادر بودن اسناد به زبان ایلامی قدیم، از شوش در دوره سوکل‌مخ‌ها بیش از ۵۰۰ سند حقوقی به زبان اکدی در دست است که فرصتی بی نظیر برای مطالعه نهادهای حقوقی و اجتماعی ایلام فراهم می‌کند. این اسناد در طی حفاری‌های باستان‌شناسان فرانسوی در شوش پیدا شدند و به همت ونسان شیل در سلسله انتشارات هیأت باستان‌شناسی فرانسه (علامت اختصاری MDP) چاپ شدند (نسخه برداری، ویرایش و ترجمه فرانسوی در ۴ مجلد). ونسان شیل^۱ آشورشناس برجسته فرانسوی است که سال‌ها کتیبه‌شناس هیأت باستان‌شناسان فرانسوی در ایران بود، و بسیاری از کتیبه‌های مهم به‌دست آمده از شوش (مثلاً قانون حمورابی) را وی برای نخستین بار نسخه برداری کرد. ترتیب چاپ اسناد اکدی شوش به شرح زیر است:

جلد اول (MDP 22) متون ۱ تا ۱۶۵ در سال ۱۹۳۰

جلد دوم (MDP 23) متون ۱۶۶ تا ۳۲۷ در سال ۱۹۳۲

جلد سوم (MDP 24) متون ۳۲۸ تا ۳۹۵ در سال ۱۹۳۳

و جلد چهارم (MDP 28) متون ۳۹۶ تا ۵۵۱ در سال ۱۹۳۹.

هر چند ویرایش و ترجمه شیل در آن زمان اولین قدم و بسیار ارزشمند بود اما سال‌هاست دیگر قابل استفاده نیست (اما نسخه برداری‌های وی هنوز مفید و قابل اتکا است). متأسفانه مطالعات جدید بر روی اسناد اکدی شوش انجام نشده و در نتیجه از این منابع ارزشمند در تاریخ نگاری ایلام غفلت شده است. نگارنده این سطور در حال

^۱. Vincent Scheil 1858-1940.

حاضر به ویرایش و ترجمه فارسی و انگلیسی گزیده‌ای از این اسناد مشغول است. در مورد سابقه تحقیق بر روی اسناد شوش به اختصار اشاره می‌کنیم که در سال ۱۹۶۲ دو تحقیق مهم درباره دستور زبان اکدی شوش و ویژگی‌های نگارشی آن منتشر شد (De Meyer 1962; Salonen 1962)؛ ولی درباره جنبه‌های دیگر این اسناد، به ویژه مفاد حقوقی و اجتماعی، مطالعات شایسته‌ای در دست نیست، به جز چند مقاله قدیمی از پل کوشاکر (Koschaker) و ژوزف کلیما (Klíma)؛ بنگرید به کتاب‌نامه.

یک سؤال اساسی این است که چرا اکدی در دوره سوکل‌مخ‌ها در ایلام استفاده می‌شد؟ در پاسخ، سه نظر مطرح شده است:

۱- با توجه به این که اسامی افراد (به استثنای شاهان و شاهزادگان ایلامی و خدایان) نیز به اکدی است، برخی پیشنهاد کردند که این اسناد نشانه وجود مستعمره نظامی اکدی و بابلی بودن کاتبان است (Salonen, p. 7).

مشکل این است که چرا خدایان و شاهان ایلامی در متون ذکر شده اند؟ به علاوه، اسناد ماری نشان می‌دهد ایلام در زمان حمورابی قدرت برتر بوده و چنین مستعمره‌ای وجود نداشته است.

۲- وجود مهاجران اکدی در شوش (Lambert, p. 57).

اگر مهاجران حضور داشته‌اند طبیعتاً باید متون حقوقی خود را به زبان رایج ایلام بنویسند که در دادگاه قابل استفاده باشد.

۳- تأثیر فرهنگی و قابلیت‌های زبان اکدی باعث شده که زبان حقوقی اکدی باشد (Klíma, p. 289). با این حال چنانکه استالپر به درستی تذکر می‌دهد، وجود ویژگی‌های دستوری و نگارشی در اکدی شوش، اصطلاحات خاص حقوقی و مهم‌تر از همه مفاهیم حقوقی مستقل نشان می‌دهد، که اکدی صرفاً وارداتی نبوده، بلکه در محل گسترش یافته است (Stolper, p. 260).

اجاره نامه زمین کشاورزی: صورت و ماهیت قرار داد *esip-tabal*

سه سند اجاره که در ادامه ویرایش و ترجمه می‌شوند، تاریخ ندارند اما سلونن آنها را به دوره متأخر (Die Texte der jüngeren Periode) نسبت می‌دهد (Salonen, p. 30). نام ایشمه-کراب خدای عدالت نشان می‌دهد که متن به اواخر دوره سوکل‌مخ تعلق دارد؛

زیرا اولین بار که ایشمه-کراب در کتیبه های ایلامی مشاهده می‌شود در دوره تمتی-اگون شاه ایلام است که در نیمه اول سده ۱۷ ق. م حکومت می‌کرد (Lambert, 1980). در میان شرایط ضمن عقد دو فعل امر جمع کن و ببر جالب توجه است؛ به همین دلیل محققان قراردادهای مورد مطالعه را قراردادهای *esip-tabal* می‌نامند. تنها در جلد اول اسناد شوش (MDP 22) ۳۳ سند *esip-tabal* هست (MDP 86-118). این عبارت پیش‌تر از طریق قانون حمورابی مواد ۴۹-۵۱ شناخته شده بود؛ اما اسناد رویه عملی تنها از شوش به دست آمده‌اند. این عبارت کلید فهم صحیح سند را به دست می‌دهد.

اجاره مزرعه و باغ

قرارداد اجاره زمین معمولاً برای یک سال منعقد می‌شد که قابل تمدید هم بود. قرارداد اجاره برای توسعه و آباد کردن زمین‌های بایر (کشت نشده) در مورد مزارع سه سال و در مورد نخلستان پنج سال بود که اجاره‌بها فقط در سال آخر پرداخت می‌شد. اجاره‌بها معمولاً در هنگام برداشت محصول پرداخت می‌شد ولی در مواردی هم در ابتدا پرداخت شده؛ در مواردی ممکن است قسمتی از اجاره‌بها در ابتدا پرداخت شود. اجاره‌بها به چهار گونه بود: پرداخت مبلغ ثابت، سهمی از محصول (معمولاً دو سوم به مستأجر، گاه سهم برابر)، مبلغ معین به ازای هر واحد مساحت، یا نرخ عرفی (مشابه مزرعه همسایه). در شوش قراردادهای اجاره زمین بر اساس مشارکت در محصول فراوان مشاهده می‌شود که معمولاً زارع نصف محصول را به مالک می‌داد (Korocek, p. 140).^۱ برای نمونه می‌توان به MDP 22 126 اشاره کرد. در حالی که شیل، و به تبع او کوک، قراردادهای *esip-tabal* را عقد اجاره زمین توصیف کردند (Pachtvertrag)، کشاورز دریافت که آنها در واقع قرارداد وام (Kreditgeschäft) هستند. کشاورز می‌گوید (Koschaker, p. 96) این اسناد نشان می‌دهند که قراردادهای *esip-tabal* بی شک قرارداد وام از نوع Kapitalantichrese هستند، یعنی وام دهنده در عوض سرمایه، منفعت مال (وثیقه) را دریافت می‌کند. به عبارت دیگر وام دهنده در عوض سرمایه، از مالی که به عنوان وثیقه به او داده شده است استفاده می‌کند. اگرچه ممکن است که با برداشت محصول خوب نفع ببرد ولی

^۱ Auch die Teilpacht war sehr verbreitet; zur Erntezeit musste der Pächter seinem Verpächter meistens den halben Ertrag entrichten.

خطر از بین رفتن محصول هم هست. وام گیرنده تعهد شخصی برای پرداخت وام به وام دهنده ندارد.^۱

می‌توان در قرارداد وام وثیقه‌ای مشخص کرد که بازپرداخت وام را تضمین کند. این وثیقه می‌تواند هر نوع مالی باشد مانند زمین، برده یا حتی اعضای خانواده مدیون. معمولاً وثیقه در زمان عقد وام داده می‌شود، اما گاه در سر رسید ارائه می‌شد تا مهلت گرفته شود. گاه وثیقه به داین تسلیم می‌شد که درآمد وثیقه در عوض بهره وام بود و به داین تعلق می‌گرفت. این گونه وثیقه را در حقوق روم *antichretic* می‌نامند که مشابه عقد رهن در حقوق اسلامی است. در متون خط میخی تصریح شده که چنین وثیقه‌ای بهره وام است (*máš.bi.šè*)؛ اصطلاح خاص هم وجود داشت: *mazzazānum*.

در حالت دیگر وثیقه معین می‌شد ولی به داین تسلیم نمی‌شد مگر در صورت عدم پرداخت دین؛ این نوع وثیقه را *hypothecary* می‌نامند. قرارداد های وام معمولاً تصریح نمی‌کنند که در صورت عدم بازپرداخت وام وثیقه به تملک داین در می‌آید، اما شروط شبیه به این معنا هست: مثلاً در موردی که مزرعه ای وثیقه وام است می‌خوانیم: نقره (مانند مزرعه است) (*kù.babbar a.šà.gi.me.en*)؛ یعنی نقره که به صورت وام داده شده مانند مزرعه‌ای است که به عنوان وثیقه گرفته شده است و داین در صورت عدم بازپرداخت وام آن را تملک خواهد کرد.

ویژگی‌های صوری سند اجاره را می‌توان بر شمرد:

در ابتدا مشخصات مال مورد اجاره بیان شده است: مساحت، موقعیت جغرافیایی، راه آب و حدود مزرعه.

مساحت مزرعه با واحد حجم معین شده یعنی مقدار بذر لازم برای بذر کاری، مساحت مزرعه را مشخص می‌کند. سیلا (*silá*) پیمانۀ ای تقریباً برابر یک لیتر و واحد حجم است که برای اندازه گیری غله به کار می‌رفته است. هر سیصد سیلا یک گور (*gur*) است.

به نظر کوشاگر (Koschaker, p. 99) معنای واژه سومری بل (*BAL*) یک ناحیه جغرافیایی بوده که تقویم خاص خود را داشته است. احتمالاً شوش به سه ناحیه (*BAL*) تقسیم می‌شده است: ناحیه ایگی اورو کی (*BAL uru-igi-ki*)، ناحیه اورو دگ (*BAL uru-dag*)، و

¹ .Nach den Urkunden ist das *esip-tabal*-Geschäft zweifellos Kapitalantichrese, d. h. der Gläubiger erhält die Nutzung des Grundstücks an Stelle des Kapitals. Wie ihm eine günstige Ernte zugute kommt, so hat er auch das Risiko einer Missernte zu tragen. Eine persönliche Zahlungspflicht des Schuldners besteht nicht.

ناحیه گولا (BAL gu-la= BAL gal). خانم دو گراف پیشنهاد کرده بود که اورو دگ ناحیه شهری و ایگی اورو کی ناحیه روستایی است و ناحیه گولا به مجموع این دو اشاره دارد (De Graef, p. 49-50). اما اسناد اجاره و دیگر قراردادهای ظاهراً دلالت می‌کند که این ناحیه‌ها متمایز از هم هستند و ناحیه گولا به مجموع دلالت ندارد. اطلاعات بیشتری در این موضوع نیست.

راه آب برای زمین کشاورزی ضروری است. برخی زمین‌های بزرگ دو کانال آبی دارند که بر مرغوبیت آن می‌افزاید. حدود مزرعه را چنانکه امروز هم مرسوم است با نام بردن مزارع همسایه مشخص می‌کنند.

سپس موضوع قرارداد (عقد اجاره) و اسامی طرفین (موجر و مستأجر) در ادامه می‌آید. تاریخ قرارداد ذکر شده و پیش‌بینی می‌شود که اگر مورد اجاره مستحق‌الغیر درآید موجر با همه اموالی که دارد مسؤول جبران خسارت مستأجر است. نصب میخ (چوبی) در خانه موجر و سایر اموال او، اصطلاحاً به معنی وثیقه قرار دادن آن اموال است، وثیقه ای که مشخص می‌شود اما تسلیم طرف معامله نمی‌شود. در حقوق روم این نوع وثیقه یا رهن hypothec نام دارد.

شهود حاضر در اجرای عقد نام برده می‌شوند که در اسناد شوش فهرست شهود همیشه با نام خدایان شمش و اینشوشیناک آغاز می‌شوند. زنان هم به عنوان شاهد حضور دارند و تفاوتی با شهود مرد ندارند. نام کاتب هم همیشه ذکر می‌شود. برای لازم‌الاجرا کردن عقد طرفین به خدایان قسم می‌خورند. برای اعتبار بخشیدن به سند، طرفی که تعهد را می‌پذیرد اثر ناخن خود در پایان روی کتیبه می‌گذارد که مانند امضا کردن است.

قانون حمورابی ۴۹-۵۲ مسئله را به این نحو مطرح می‌کند:

یک زارع نیازمند است و می‌خواهد نقره قرض بگیرد. وام دهنده مزرعه او را به عنوان وثیقه مطالبه می‌کند با این شرط که هر چه محصول در مزرعه به دست آمد وام دهنده بردارد و ببرد! به این ترتیب با واگذار کردن محصول مزرعه، مدیون اصل دین و بهره آن را پرداخت می‌کند. ولی چنانکه قانون حمورابی تلویحاً نشان می‌دهد همیشه ارزش محصول بیش از وام و بهره آن بوده است. زارع مزرعه را در یکی از این دو حالت به داین می‌دهد:

زمین شخم زده شده و آماده کشت محصول است اما هنوز بذر کاشته نشده.

یا زمین شخم خورده و بذر هم در آن کاشته شده که در اینجا زارع به انتظار محصول است.

قانون حمورابی این قرارداد بردار و ببر را معتبر نمی‌شناسد و برای حمایت از زارع با طرح راه حلی پیچیده دخالت می‌کند: در هر دو حالت محصول به مالک مزرعه یعنی مدیون تعلق دارد، اما وظیفه مدیون بر حسب مورد متفاوت است. در مورد اول که مدیون زمین را شخم زده و آماده کشت کرده ولی بذر را داین کاشته است، مدیون علاوه بر پرداخت اصل دین و بهره بنا بر نرخ رسمی، باید هزینه کشت محصول را هم به داین بپردازد. ولی در مورد دوم که مدیون علاوه بر شخم زدن، بذر هم کاشته بود، صرفاً اصل دین و بهره آن را به داین می‌پردازد. اگر مدیون برای پرداخت دین و بهره آن که به نقره بوده است، نقره ندارد، فرمان شاهی مقرر می‌کند که دین خود را بنا بر نرخ رایج با غله ادا کند. با این حال، قانون قرارداد بردار و ببر را یکسره باطل نمی‌کند: هدف مواد ۴۹ تا ۵۱ قانون حمورابی حمایت از مدیون است؛ بنا بر ماده ۵۲ اگر داین که موظف بوده در مزرعه غله یا کنجد کشت کند، به هر دلیل کشت نکند و محصول تولید نکند، قرارداد علیه او معتبر است و مدیون دین خود را ادا کرده است.

نتیجه

ماده ۴۹ تا ۵۱ قانون حمورابی نوع خاص از وثیقه قرار دادن زمین کشاورزی را به نحوی که مانند فروختن محصول روی مزرعه باشد ممنوع می‌کند. این نوع قرارداد در شوش مشاهده شده است. طبق این حکم حمورابی وام‌دهنده اجازه ندارد که شخصاً محصول را برای استیفای دین برداشت کند. به عبارت دیگر، قانون حمورابی این نوع قرارداد خصوصی را معتبر نمی‌شناسد مگر این که به نفع مدیون باشد. اما در شوش ظاهراً ممنوعیتی وجود نداشته و انعقاد قراردادهای *esip-tabal* کاملاً رایج بوده است. احتمالاً می‌توان فرض کرد که جمله بردار و ببر در قرارداد داین را مجاز می‌سازد که همه محصول مزرعه را ببرد حتی اگر از اصل وام و بهره آن بیشتر باشد.

ضمیمه‌ها

ضمیمه اول، متن مواد ۴۹ تا ۵۲ از قانون حمورابی است.

ضمیمه دوم، ترجمه فارسی، ویرایش اکدی، و ترجمه انگلیسی سه سند ایلامی است.

ضمیمه سوم، واژه نامه اسناد ترجمه شده است.

قانون حمورابی مواد ۴۹-۵۲ (Borger 2006)

۴۹- اگر کسی از یک تاجر نقره قرض بگیرد و مزرعه ای را که برای کشت غله یا کنجد آماده شده است، (به عنوان وثیقه) به تاجر بدهد و به او بگوید «تو مزرعه را کشت کن و هر چقدر غله یا کنجد بروید بردار و ببر!»، اگر کشت کننده (= وام‌دهنده) در مزرعه غله یا کنجد تولید کند، به هنگام برداشت محصول تنها مالک مزرعه حق دارد غله یا کنجد روییده در مزرعه را برگیرد، ولی وی به مقدار نقره ای که از تاجر قرض گرفته است و بهره آن و همچنین هزینه های کشت محصول، به تاجر غله خواهد داد.

۵۰- اگر وی مزرعه ای را که قبلاً شخم خورده و با غله یا کنجد بذر کاری شده است، (به عنوان وثیقه وام به تاجر) بدهد، به هنگام برداشت محصول تنها مالک مزرعه حق دارد غله یا کنجد روییده در مزرعه را برگیرد، ولی او نقره و بهره آن را به تاجر خواهد پرداخت.

۵۱- اگر او برای باز پرداخت دین نقره ندارد، فرمان سلطنتی مقرر می‌کند که او معادل نقره ای که از تاجر وام گرفته است و بهره آن، غله یا کنجد را بنا بر نرخ رایج آنها، بدهد (وام دهنده موظف است قبول کند).

۵۲- اگر کشت‌کننده (= تاجر یا وام دهنده) در مزرعه غله یا کنجد کشت نکند، او قراردادش را تغییر نخواهد داد.

توضیح: هدف این مواد (۴۹-۵۱) حمایت از وام گیرنده است؛ بنا بر ماده ۵۲، اگر وام دهنده، که می‌بایست زمین را کشت کند، غفلت کند و مزرعه را کشت نکند، قرارداد علیه وی معتبر است.

سند اجاره مزرعه MDP 22 95

مزرعه‌ای که غله لازم برای بذر افشانی آن ۷۰ سیلا است.

واقع در ناحیه بل گل.

آبیاری مزرعه با کانال شوبارو.

(حدود زمین مورد معامله): یک مرز زمین مزرعه اتوری، مرز (دیگر) مزرعه ایباشی - ایلو،

و مرز (سوم) مزرعه خونینو.

ورد-کوبی مزرعه را از ابوم-ایلوم اجاره کرد.
بنا بر قاعده جمع کن و ببر!
برای جو، کنجد و عدس.
او ۳ شقل نقره پرداخت.
در ماه خولتوپو، تقویم ناحیه اورو دگ.
او نقره را پرداخت و مزرعه را اجاره کرد.
اگر ادعایی علیه مزرعه مطرح شود.
یک میخ در خانه او و هر سه ناحیه نصب شده است
(یعنی موجر با همه اموالش مسؤول خسارت مستأجر هستند).
(شهود): در حضور خداوند شمش و اینشوشیناک، در حضور اتکلشو.
در حضور شمش-شیمی، در حضور ایلی-گامیل.
در حضور لیبوط، در حضور ارا-بانی.
در حضور ربی-ایلی، در حضور طاب-نوپارشو.
در حضور اوصی-انا-نوریشو، کاتب.
(آنها) به زندگی اینشوشیناک و ایشمه-کراب (قسم خوردند).
هر کس این قرارداد را زیر پا بگذارد (نقض کند)، ۵ گور غله می‌پردازد.
اثر ناخن انگشت ابوم-ایلوم.

سند اجاره مزرعه MDP 26 260

مزرعه‌ای که غله لازم برای بذر افشانی آن ۱۰۰ سیلا است.
واقع در ناحیه ایگی اورو.
آبیاری مزرعه با کانال ایشکوزی.
(حدود زمین مورد معامله): یک مرز زمین مزرعه خلانی و مرز دیگر مزرعه ربیا-اونی.
نور-اینشوشیناک مزرعه را از (خانم) اوبارتی اجاره کرد.
بنا بر قاعده جمع کن و ببر!
برای جو، کنجد و عدس.
او ۲ شقل نقره پرداخت و مزرعه را اجاره کرد.
در ماه شبات، تقویم ناحیه اورو دگ.

اگر ادعایی علیه مزرعه مطرح شود.
یک میخ در خانه او و هر سه ناحیه نصب شده است.
(یعنی موجر با همه اموالش مسؤول خسارت مستأجر است).
در حضور شهود:
در حضور خداوند شمش و اینشوشیناک.
در حضور ایگمیل-انی، پسر اینشوشیناک-ربو.
در حضور نور-گیر.
در حضور نور-گیشدار.
در حضور (خانم) اختیالتو.
در حضور دمقیا، کاتب.
(آنها) به زندگی اینشوشیناک و ایشمه-کراب (قسم خوردند).
اثر ناخن انگشت او (همان خانم که موجر است).

سند اجاره مزرعه MDP 23 261

مزرعه‌ای که غله لازم برای بذرافشانی آن، ۱ گور (= ۳۰۰ سیلا) است.
واقع در ناحیه ایگی اورو.
آبیاری مزرعه با کانال راکیب و کانال کوبلا.
(حدود زمین مورد معامله): یک مرز زمین مزرعه دقیقا، مرز دیگر مزرعه یائه-یائه، و کنار اوماتو؛
نور-اینشوشیناک مزرعه را از (خانم) ایصورتی و (آقای) تریبتو اجاره کرد.
بنا بر قاعده جمع کن و ببر!
برای جو، کنجد و عدس.
او ۷ شقل نقره پرداخت و مزرعه را اجاره کرد.
در ماه دینگیر مخ، تقویم ناحیه اورو دگ.
اگر ادعایی علیه مزرعه مطرح شود.
یک میخ در خانه او و هر سه ناحیه نصب شده است
(یعنی موجران با همه اموالشان مسؤول خسارت مستأجر هستند).
(شهود): در حضور خداوند شمش و اینشوشیناک.

در حضور نیق - ایلو، در حضور منو - بالا - ایلو.
در حضور ربیا، پسر وقرتی.
در حضور ایرا - بانئ، پسر ربی - اینشوشیناک.
در حضور دمقیا، کاتب.
(آنها) به زندگی اینشوشیناک و ایشمه - کراب (قسم خوردند).
اثر ناخن انگشت ایشان (دو موجر).

1 a-ša 70 (sila) numun-šu bal-gal	مزرعه‌ای که غله لازم برای بذر افشانی آن ۷۰ سیلا
2 ma-aš-qi-it pa ₅ Šu-ba-ri	است.
3 ti Ar-tu-ri da I-ba-aš-ši-dingir	واقع در ناحیه بل گل.
4 ù da Hu-un-ni-ni	آبیاری مزرعه با کانال شویارو.
5 ki A-bu-um-dingir	(حدود زمین مورد معامله): یک مرز زمین مزرعه
6 ^m Ir-Ku-bi ú-še-ši	اتوری، مرز (دیگر) مزرعه ایباشی - ایلو، و مرز (سوم)
7 a-na e-se-ep ta-ba-al	مزرعه خونینو.
8 a-na še-im še-giš-i ù gú-tur	ورد-کوبی مزرعه را از ابوم-ایلوم اجاره کرد.
9 3 gín kù-babbar iš-qú-ul	بنا بر قاعده جمع کن و ببر!
10 iti Hu-ul-tu-up-pe-e šà bal-[uru-dag]	برای جو، کنجد و عدس.
11 kù-babbar iš-qú-ul a-ša ú-še-ši	او ۳ شقل نقره پرداخت.
12 a-ša ib-ba-qar-ma i-na é-dù-a-šu	در ماه خولتویو، تقویم ناحیه او رو دگ.
13 ù bal-3-kam ^{gis} gag mah-ša-at	او نقره را پرداخت و مزرعه را اجاره کرد.
14 igi ^d Šamaš igi ^d Inšušinak igi At-kal-šu	اگر ادعایی علیه مزرعه مطرح شود.
15 igi ^d Šamaš-še-em-me-e igi I-lá-[ga]-mil	یک میخ در خانه او و هر سه ناحیه نصب شده است
16 igi Li-ib-lu-ṭu igi ^d [Ér]-ra-ba-ni	(یعنی موجر با همه اموالش مسوول خسارت مستأجر
17 igi Ra-ab-bí-dingir igi Ṭā-ab-nu-pa-ar- šu	هستند).
18 igi Ú-ši-a-na-nu-ri-šu dub.sar	(شهود): در حضور خداوند شمش و اینشوشیناک، در
19 mu ^d Inšušinak ù ^d [Iš-me-ka-ra-ab]	حضور اتکلشو.
20 ¹ ša ib-ba-la-ka-tu 5 gur ¹ [še i-ág]-e	در حضور شمش - شیمی، در حضور ایلی-گامیل.
21 šú-pur A-bu-um-dingir	در حضور لیبلوط، در حضور ارا-بانی.

<p>1 a.šà 100 (sila) numun-š<u>u</u> bal igi.uru^{ki} 2 ma-aš-qí-it pa₅ Iš-ku-uz-zi 3 ti Hal-la-ti da Ra-bi-ia-ú-ni 4 ki^{sal} Ú-bar-ti^m Nu-ur-^d Inšušinak u-še- ší 5 a-na e-si-ip ta-bal 6 a-na še-im še-giš-1 ù gú-tur 7 2 gín kù.babbar iš-qú-ul a.šà ú-še-ší 8 iti Ša-ba-ti šà uru.dag 9 a.šà ib-ba-qar-ma i-na é-šu¹ 10 ù bal 3.kam^{giš} gag mah-ša-at reverse 11 igi^d Šamaš igi^d Inšušinak 12 igi Adad-rabû dumu^d MAH-um-mi 13 igi Ig-mil-an-ni dumu^d Inšušinak- rabû 14 igi Nu-ur-^d GIR igi Nu-ur-^d Giš-dar 15 igi^{sal} Ah-ti-ya-ú-tu 16 igi Dam-qí-ia dub.sar 17 mu^d Inšušinak ù^d Iš-me-ka-ra-ab margin Šú-pur-šà</p>	<p>مزرعه‌ای که غله لازم برای بذر افشانی آن ۱۰۰ سیلا است. واقع در ناحیه ایگی اورو. آبیاری مزرعه با کانال ایشکوزی. (حدود زمین مورد معامله): یک مرز زمین مزرعه خلّاتی و مرز دیگر مزرعه ربیا-اونی. نور- اینشوشیناک مزرعه را از (خانم) اوبارتی اجاره کرد. بنا بر قاعده جمع کن و ببر! برای جو، کنجد و عدس. او ۲ شقل نقره پرداخت و مزرعه را اجاره کرد. در ماه شبات، تقویم ناحیه اورو دگ. اگر ادعایی علیه مزرعه مطرح شود. یک میخ در خانه او و هر سه ناحیه نصب شده است. (یعنی موجر با همه اموالش مسوول خسارت مستأجر است). در حضور شهود: در حضور خداوند شمش و اینشوشیناک. در حضور ایگمیل-انی، پسر اینشوشیناک-ربو. در حضور نور-گیر. در حضور نور-گیشدار. در حضور (خانم) اختیاتو. در حضور دمقیا، کاتب. (آنها) به زندگی اینشوشیناک و ایشمه-کراب (قسم خوردند). اثر ناخن انگشت او (همان خانم که موجر است).</p>
<p>line 9: é-šu is an scribal error for é-šà</p>	<p>توضیح: در سطر ۹ کاتب به جای ضمیر مؤنث، به اشتباه ضمیر مذکر آورده است.</p>

<p>1 a.šà 1 gur numun-šú bal igi.uru^{ki} 2 ma-aš-qí-it pa₅ Ra-ki-ib ù pa₅ Ku-ub-la 3 ti Da-aq-qí-ia da Ya-e-ia-e 4 ù da um-ma-ti 5 ki salIŠ-Šú-ur-ti ù Ta-ri-ba-tu 6 ^mNu-ur-^dInšušinak ú-še-ší 7 a-na e-si-ip ta-bal 8 a-na še-a-am-im še-giš-i (ù) gú-tur 9 7 (gín) kù.babbar iš-qú-ul a.šà ú-še-ší 10 iti ^dMah šà uru.dag 11 a.šà ib-ba-qar-ma i-na é-šu 12 ù bal 3.kam ^{giš}gag mah-ša-at 13 igi ^dŠamaš igi ^dInšušinak 14 igi Ni-iq-dingir igi Ma-an-nu-ba-la-dingir 15 igi Ra-bi-ia dumu Wa-qa-[ar]-ti 16 igi ^dIr-ra-ba-ni dumu Ra-bi-^[d]Inšušinak 17 igi Da-am-qí-ia dub.sar 18 mu ^dInšušinak ù ^dIš-me-ka-ra-ab margin Šú-pur-šu-nu</p>	<p>مزرعه‌ای که غله لازم برای بذر افشانی آن ۱ گور (- ۳۰۰ سیلا) است. واقع در ناحیه ایگی اورو. آبیاری مزرعه با کانال راکیب و کانال کوبلا. (حدود زمین مورد معامله): یک مرز زمین مزرعه دقیقا، مرز دیگر مزرعه یانه- یانه، و کنار اوماتو؛ نور- اینشوشیناک مزرعه را از (خانم) ایصورتی و (آقای) تربیتو اجاره کرد. بنا بر قاعده جمع کن و ببر! برای جو، کنجد و عدس. او ۷ شقل نقره پرداخت و مزرعه را اجاره کرد. در ماه دینگیر مخ، تقویم ناحیه اورو دگ. اگر ادعایی علیه مزرعه مطرح شود. یک میخ در خانه او و هر سه ناحیه نصب شده است (یعنی موجران با همه اموالشان مسوول خسارت مستأجر هستند). (شهود): در حضور خداوند شمش و اینشوشیناک. در حضور نیق- ایلو، در حضور منو- بالا- ایلو. در حضور ربیا، پسر وقتتی. در حضور ایرا- بانی، پسر ربی- اینشوشیناک. در حضور دمقیا، کاتب. (آنها) به زندگی اینشوشیناک و ایشمه-کراب (قسم خوردند). اثر ناخن انگشت ایشان (دو موجر).</p>
--	---

کلمات غیر ایتالیک سومری- کلمات ایتالیک اکدی	معادل فارسی	کلمات غیر ایتالیک سومری- کلمات ایتالیک اکدی	معادل فارسی
--	-------------	--	-------------

اجاره نامه زمین کشاورزی: تحلیل سه سند حقوقی از ایلام باستان به همراه ویرایش متن اکدی ۱۵۱

áḡ (<i>madādum</i>)	پرداختن (با پیمانانه)	é (<i>bītum</i>)	خانه
a.šà (<i>eqlum</i>)	مزرعه	esēpum	جمع کردن
bal, bala (<i>palūm</i>)	ناحیه	gín (<i>šiqlum</i>)	شقل تقریباً ۸ گرم
baqārum	ادعا کردن	g ^{is} gag (<i>sikkatum</i>)	میخ
da (<i>ita, itū</i>)	کنار، هم مرز	gú.tur (<i>kakkūm</i>)	عدس
dumu (<i>mārum</i>)	پسر	gú.tur gú.gal	دانه کوچک (احتمالاً عدس) دانه بزرگ
dumu.sal (<i>mārtum</i>)	دختر	gur (<i>kurru</i>)	واحد حجم برابر ۳۰۰ لیتر
dub.sar (<i>ṭupšarrum</i>)	کاتب	igi (<i>pānum</i>)	در حضور، در برابر (شهود)
išširtu	پرنده ماده، در متن اسم خاص است	iti (<i>arhum</i>)	ماه
iti dingir Mah	ماه ۴ در تقویم ایلامی	iti Ša-ba-ti	ماه ۱۲ در تقویم ایلامی
iti Hu-ul-tu-up-pe-e	ماه ۱۱ در تقویم ایلامی	mahāšum	زدن، فرو کردن، نصب کردن
ki (<i>itti</i>)	از	nabalkutu	زیر پا گذاشتن، نقض کردن
mašqītum	راه آب	nabalkutu	زیر پا گذاشتن، نقض کردن
mu (<i>nīšum</i>)	جان، زندگی	numun (<i>zērum</i>)	بذر، دانه
iti Ša-ba-ti	ماه ۱۲ در تقویم ایلامی	pa ₅ (<i>atappum</i>)	کانال آبی کوچک
ki (<i>itti</i>)	از	sila (<i>qūm</i>)	واحد حجم برابر یک لیتر
mahāšum	زدن، فرو کردن، نصب کردن	šuprum	اثر ناخن
mašqītum	راه آب	šaqašum	پرداختن
mu (<i>nīšum</i>)	جان، زندگی	še (<i>še'um, ūm³</i>)	جو
tabālum	حمل کردن، بردن	še-giš-ī (<i>šamaššammūm</i>)	کنجد
tī (<i>šelum</i>)	کنار، هم مرز	šūšum (<i>from ašum</i>)	اجاره کردن
ummatu	توصیف زمین است اما معنای دقیق آن معلوم نیست		

- Borger, R. 2006, *Babylonisch-assyrische Lesestücke*, 3rd edition, *Analecta orientalia* 54, Rome: Pontificium Institutum Biblicum.
- De Graef, Katrien 2007, "Les textes de V récent du Chantier B à Suse (fin sukkalmahat - ca. 1575-1530 av. notre ère)," *Iranica Antiqua* 52: 41-59.
- De Meyer, L. 1962, *L'accadien des contrats de Suse*, *IrAnt Supplement* 1, Leiden: E.J. Brill.
- De Meyer, L. 2001, "Un meurtre à Suse," pp. 31-38 in *Veenhof Anniversary Volume, Studies Presented to Klaas R. Veenhof on the Occasion of his Sixty-fifth Birthday*, edited by W. H. van Soldt, J. G. Dercksen, N. J. C. Kouwenberg, and Th. J. H. Krispijn, *PIHANS* 89, Leiden: E.J. Brill.
- Englund, Robert K. 2004, "The State of Decipherment of Proto-Elamite," pp. 100-149 in *The First Writing: Script Invention as History and Process*, edited by Stephen D. Houston, Cambridge: Cambridge University Press.
- Henkelman, Wouter F.M. 2008, *The Other Gods Who Are, Studies in Elamite-Iranian Acculturation Based on the Persepolis Fortification Texts*, *Achaemenid History* XIV, Leiden: E.J. Brill.
- Klíma, Josef 1959, "Donationes mortis causa nach den akkadischen Rechturkunden aus Susa," pp. 229-259 in *Festschrift Johannes Friedrich*, edited by R. von Kienle, A. Moortgat, H. Otten, E. von Schuler and W. Zaumseil, Heidelberg: Carl Winter.
- Klíma, Josef 1960, "Untersuchungen zum elamischen Erbrecht," *Archiv Orientální* 28: 5-54.
- Klíma, Josef 1963, "Le droit élamite au deuxième millénaire av. n. è. et sa position envers le droit babylonien," *ArOr* 31: 287-309.
- Klíma, Josef 1972, "L'ordalie par le fleuve en Élam (d'après les documents akkadiens de Suse et de Ḫuḫnur-Mālamir)," *RA* 66: 39-59.
- Korošec, V. 1964, "Elam," pp. 134-141 in *Orientalisches Recht*, *Handbuch der Orientalistik* 1/3, edited by E. Seidl et al., Leiden: E.J. Brill.
- Koschaker, Paul 1931, *Über einige griechische Rechtsurkunden aus den östlichen Randgebieten des Hellenismus. Mit Beiträgen zum Eigentums- und Pfandbegriff nach griechischem und orientalischem Recht*, *Abhandlungen der Sächsischen Akademie der Wissenschaften zu Leipzig, Philologisch-historische Klasse* 42, 1-6: 1-122.
- Lambert, W.G. 1991, "The Akkadianization of Susiana under the Sukkalmahs," pp. 53-57 in *Mésopotamie et Elam. Actes de la XXXVIème Rencontre Assyriologique Internationale, Gand, 10-14 juillet 1989*, edited by L. De Meyer and H. Gasche *MHEO* 1, Ghent.

- Salonen, E. 1962, *Untersuchungen zur Schrift und Sprache des Altbabylonischen von Susa mit Berücksichtigung der Mālamir-Texte*, StOr 27, Helsinki.
- Salonen, E. 1967, *Glossar zu den altbabylonischen Urkunden aus Susa*, StOr 36, Helsinki.
- Steve, M.-J., F. Vallat, and H. Gasche 2005, "Suse," cols. 359- 652 in *Supplément Au Dictionnaire de la Bible*, vol. 13, edited by L. Pirot et al., Paris.
- Stolper, Matthew W. 1984, *Texts from Tall-i Malyan, I: Elamite Administrative Texts (1972-1974)*, Occasional Publications of the Babylonian Fund, 6. Philadelphia: The University Museum.
- Stolper, Matthew W. 1990, "Mālamīr. B. Philologisch," *Reallexikon der Assyriologie* 7: 276-281.
- Stolper, Matthew W. 1992, "Cuneiform Texts from Susa," pp. 253-260, in *The Royal City of Susa: Ancient Near Eastern Treasures in the Louvre*, edited by Prudence O. Harper, Joan Aruz and Françoise Tallon, New York: Metropolitan Museum of Art.
- Stolper, Matthew W. 1998, "Nahhunte," *Reallexikon der Assyriologie* 9: 82-84.
- Stolper, Matthew W. 2004, "Elamite," pp. 60-94, in *The Cambridge Encyclopedia of the World's Ancient Languages*, edited by Roger D. Woodard, Cambridge: Cambridge University Press.
- Westbrook, Raymond (ed.) 2003, *A History of Ancient Near Eastern Law*, 2 volumes, Leiden: E.J. Brill.

فهرست علائم اختصاری

Abbreviations:

- AHW = von Soden, Wolfram 1959-1981, *Akkadisches Handwörterbuch*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- CAD = Chicago Assyrian Dictionary = Oppenheim, A.L., E. Reiner et al. (eds.) 1956-2011, *The Assyrian Dictionary of the University of Chicago*, Chicago.
- MDP = Mémoires de la Délégation de Perse
- MDP 4 = Scheil, V. 1902, *Textes élamites-sémitiques*, deuxième série: "Code des lois (droit privé) de Hammurabi, roi de Babylone, vers l'an 2000 avant Jésus-Christ," Paris.
- MDP 18 = Dossin, G. 1927, *Autres textes sumériens et accadiens*, Paris.
- MDP 22 = Scheil, V. 1930, *Actes juridiques susiens*, Paris.
- MDP 23 = Scheil, V. 1932, *Actes juridiques susiens (Suite: n°166 à n°327)*, Paris.
- MDP 24 = Scheil, V. 1933, *Actes juridiques susiens (Suite: n°328 à 395)*, Paris.

MDP 28 = Scheil, V. 1939, *Mélanges épigraphiques*, Paris.

